امیل زولا و انتقال فرامتن به طبیعت

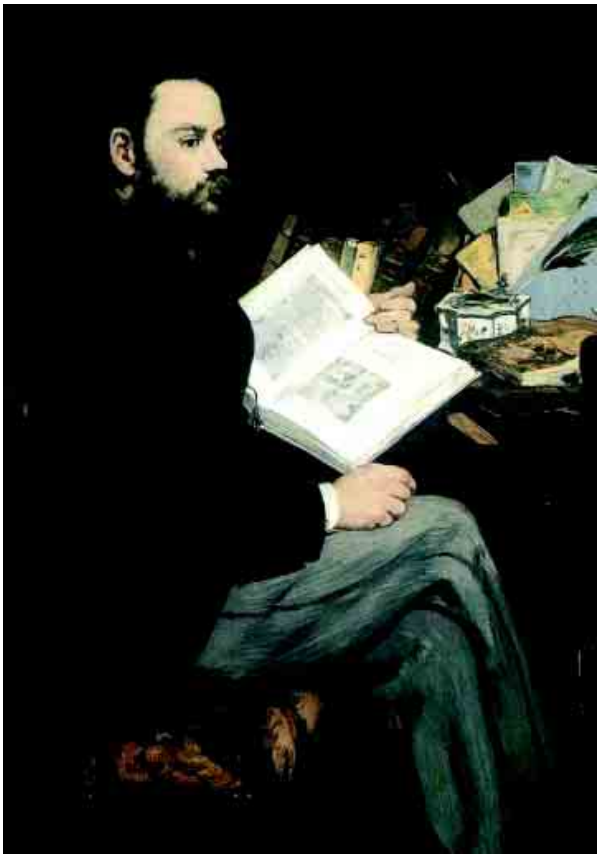

تفکر ناتورالیستی زولا او را برآن داشت تا روایت هستی را به طبیعت بارز آن برگرداند. این طبیعت حقیقی گاه جلوه‌ای از تنزل و پستی زندگی آدمی است و گاه حیات والای او در جایگاه عشق و ایثار و سازندگی

مریم خاکیان

«هنگامی که تیره روزی کارگران معدن را مطالعه می کردم، بشدت دچار ترحم شده بودم. کتاب من اثری از ترحم و شفقت است و نه چیزی دیگر و اگر کسی هنگام خواندن آن چنین احساسی پیدا کند، من به هدف خود رسیده ام و خوشحال می شوم. در این حال، یک حرکت بزرگ اجتماعی و یک عشق به عدالت در حال شکل گرفتن است که باید به آن توجه کرد و گرنه جامعه کهنه جارو خواهد شد. آیا در رمان خود موفق شده ام عدالتخواهی تیره بختان را تأیید کنم؟ نمی دانم. ولی من همچنین خواسته ام نشان دهم که بورژوازی نیز به تنهایی مقصر نیست. همه مسئولیت به گردن اجتماع است.» (بخشی ازسخنان زولا در مصاحبه با خبرنگار روزنامه لوماتن)

دغدغه های اجتماعی بخش حائز اهمیتی از فعل و انفعالات ذهنی نویسندگان هر جامعه را تشکیل می دهد. اگر چه هگل و مارکس و سپس دورکیم ولانسون بخشی از اولویت های بنیادین فهم متن را در نگاه موشکافانه اجتماع پدیدار دانسته و نظریاتی ارائه داده اند اما بدون شک انعکاس مطلق رفتارهای اجتماعی جدای از فرآیند تحلیلی آن، از تعهدات نویسندگان است.

امیل زولا نویسنده ای است که ورای روش نوشتاری خود به دردهای اجتماعی بسیار اندیشیده و از آن میان، تم دست نخورده ای از رفتارهای اصولی محیطی را در مجموعهٔ آثارش عرضه کرده است.

وی معتقد است جامعه به طور ناخودآگاه در ذرات اثر حاضر است و پس از اثر نیز بسیار وجود دارد. بر این اساس، اگر دو سیکل را به عنوان جامعه و اثر در نظر بگیریم، متن سیکل کوچک تر است که در عمق جامعه وجود دارد و از مرجع حاکم که ذهن نویسنده است جاری می شود اما پس از سیر متشابه خود به طور مجدد، جامعه است که ورای اثر و در بطن آن نمود یافته است.

تفکر ناتورالیستی زولا او را برآن داشت تا روایت هستی را به طبیعت بازگرداند. این طبیعت حقیقی گاه جلوه‌ای از تنزل و پستی زندگی آدمی است و گاه حیات والای او در جایگاه عشق و ایثار و سازندگی. او از شکل داستانی بازتاب دنیایی متلاشی شده بهره جسته است. کلیت اثر او در زیر ساخت معضل اجتماع اتفاق افتاده است و رای در همه استدلال ها، خود با مسائل به طور دقیق درگیر است. در این حالت، کنش افراد نسبت به روند تلخ جدایی انسان از طبع و سرشت کمتر از واکنش انسانی اش قلمداد شده است. این است که روایت «خانواده روگون - ماکار» هربار در قالبی نوین از شکم همان حقیقت اولیه ظاهر می شود و نیز همسانی سطوح دنیوی در برابر سهل انگاری بشر، برجسته سازی شده است به طوری که باوجود جهانی در هم ریخته، نقش رفتاری افراد کاملاً جدا و تعدیل شده است. این بحث به دلیل چیرگی ناتورالیسم بر ابعاد زندگی شخصی اوست.

زولا نویسنده ای بدون توقف است و گر چه درپاره ای موارد در حوزه نثر دراثرش خود به ژانرهای دیگر نزدیک شده، اما تعادلی مستحکم دراثرش با برجاست.

به دلیل آن که مدت ها یک ژورنالیست حرفه ای بوده، گاه سیطره نثر ژورنالیستی برفضای رمان هایش کاملاً محرز است و آن که بی پیرایه، تند و محکم نوشته است. در رمان «ترز راکن»، انسان اثر او در تقلایی سخت میان جرم و وجدان گرفتار است که اگر چه عدالت جامعه درونی شخصیت ها و جامعه حاکم بیرونی، توأمان با ظرایف توصیف، ارائه شده، در نهایت افول مراتب انسانیت در کام جنایت خویش است، «ترز راکن» پس از انتشار، موجی از انتقاد خاموش جامعه را برانگیخت و سیاهی درون را در زوالی پایدار جلوه گر شد و این همان خواسته مسکوت زولا بود. زولا حرکتی بنیان مدار را پیوست کار خویش کرده بود. از این رو، طرحی که می نوشت براساس پیش فرض هایی از این دست بود. او پس از مدت ها پرداخت ذهنی، تصمیم گرفت «خانواده روگون- ماکار» را در چندین مجله ارائه دهد. این اثر کلان، تاریخ طبیعی و اجتماعی خانواده ای است که زولا در آن خلقیات، خصایل، معایب و فضایلی را به نمایش گذاشته است و در آن بحث تأثیر محیط رشد را تحلیل کرده است.

زولا در نخستین جلد این اثر با عنوان «ثروت روگون»، بار دیگر در سطوح انتقادی فرهنگ و سیاست قرار گرفته و نوک حملات خود را در صدر نظام حاکم و در نگاه صریح خود به ناپلئون بناپارت تعبیه کرده است. این اثر روان شناختی بخشی از وحشیگری های شادمانه آدمی را در افشای شیفتگی روح و طبع درونی و اولیه و بیانگر شده است. زولا اعتقاد راسخ خود را به عدل و مساوات جمعی و ملازمات آن در این اثر به شیوه ای مشکک و منطبق بیان کرده و از آزادی و رستگاری کوچک زندگی عامه، تجددی تلخ آفریده است.

پس از آن، در «سهم سگان شکاری»، اندیشه قیام شرافت و انسانیت را از هنجار و ضابطه مفهومی خارج کرده، روابطی نامنسجم و در عین حال کاملاً داستانی ایجاد می کند. زولا در اثر بعدی اش «شکم پاریس» وجوه دوگانه زیستن را با بیان مفاهیمی کاملاً روز مره وابعاد سازنده شخصیتی نشان داده است. این رمان تقابل جسمی و روحی سیر و گرسنه است که خط مشی سیاست حاکم را نشان می دهد. بافت این اثر از فردیت هنری به تمامیت انسانی ارتقا پیدا کرده است، اثری سخت رئال که در آن انگیزه های طبیعت وجودی بشر و مسأله زیستن تلفیق و تشریح شده است.

پس از آن در «فتح پلاسان» و «خطای آبه مووره»، زولا نگاه خود را به فرهنگ کلیسا به صراحت بازگو می کند و آن را در تقابل با طبیعت روانی و معنوی آدمی اعلام می دارد. عدن جدیدی که زولا در اثر خود قصد نمایاندن آن را در جامعه متزلزل پیرامون خود دارد، تنها واکنشی کوچک بر له نظام حکومتی و هنجارهای ملازم آن نیست بلکه کالبد شکافی شعور و حقیقت انسان در لایه های ضابطه و طمطراق است و زولا بدین جهت و برخلاف دیگر نویسندگان از قاعده پائین هرم شروع می کند تا به اوج رسد و در متن خود هم حسی سخت قابل فهم میان شخصیت ها و مخاطب ایجاد می کند.

گی دوموپاسان در نامه ای به زولا برای کتاب «خطای آبه مووره» نوشته است: «من همه کتاب را استنشاق می کردم و با اشتیاقی غریب می خواندم. از هر صفحه اش رایحه ای قوی و مداوم متصاعد می شد. شما رایحه زمین، درختان، تخمیر و بذر را به مشام ما رساندید به طوری که سرشار شدیم...»

اگر چه فشار سرسختانه جامعه داستان نویسی فرانسه همواره می شکافد و از عمق تنزل، ارتقا را در می یابد و می شناساند.

«یکی صفحه عشق»، اثر دیگر او، بازگشت انسان از غفلت و جبر گناه است و حالات دادگاه درونی آدمی را در محکمه وجدان، به خوبی جلوه گر شده است.

دو اثر بعدی او «نانا» و «برای خوشبختی بانوان» چکیده توجیهات قرن نو برای انسان سازی متجدد و انتقاد از مسائل آن است. برای خلق هر دو اثر، او روزهای متمادی در فضای متشابه آن گام بر می دارد و خود را در آن حل می کند تا بتواند حقیقت نامعروف را ارائه دهد. زولا سراب سازی از جهان تلخ حاشیه زندگی است که به دلیل فهم ناهمواری های دردناک فضای اجتماعی، مرتب خلأ می سازد و مخاطب خود را به چینش دوباره مسائل در آن وا می دارد.

«نانا» به صورت نمایشنامه نیز به اجرا در آمد و مجدداً تحسین و انتقاد اهالی هنر را برانگیخت. اغلب آثار زولا، پس از انتشار، به روی صحنه می رفتند و در قالب نمایشنامه، دگربار به درون زندگی اجتماعی باز می گشتند.

دیگر اثر او، پرداختن عمیق و داستانی از جامعه کارگری است. او فلاکت و زجر جهان مادی و تسکین عقوبت های فرا زیستی را در روایت «ژرمینال» ارائه کرده است. این اثر حاصل بالندگی اندیشه زولا در سیر نویسندگی اوست. «ژرمینال» پیش از همه، داستان بر زولا، بود اما همچنان که از ابتدا قصد کرده بود، در جذب طبیعت و علوم بنویسد، نوشت. او مباحث تربیت و ژنتیک را از مقررات طبیعت زندگی می دانست و آن را بدون تسامح و با نهایت تدقیق ارائه می کرد. «عالیجناب اوژن روگون» رمان بعدی اوست که تصویر دنیای سیاسی عهد امپراتوری دوم را با دقیق ترین توصیف ها از وزرا، وکلا و دربار و دسیسه های راهرویی، معاملات نفوذی و همه تظاهراتش می نمایاند. در این اثر ،زولا به طبیعت سیاست و ذهن بیش از هر مسأله دیگری توجه کرده است.

اگر چه ابزار عقاید و مفاهیم ناتورالیسم در این چند اثر کمابیش و به صورت مجمل بازگوشده بود، در رمان «آسوموار» به طور کامل پرداخته شد. این اثر کاملاً اجتماعی از رهیافت های جوهر تحول و انقلاب درونی جامعه است که عناصر آن در فضایی چون حاشیه شهر به وقوع می پیوندد.

زولا بر دیالکتیک درونی زندگی اجتماعی و روان شناختی بسیار تأمل کرده است و در این راستا ایدئولوژی کاملاً متمایزی دارد. او به لحاظ شیوه ادبیات نیز نقطه ارجاع به رئالیسم را در منظر جسم و درون قرار داده است و هر بار از سطحی به سطوح دیگر منتقل می شود. زولا پایدار و حقیقی می نگارد، به هسته زندگی ماهیتی قابل فهم و سازنده می دهد و گرچه با فرامتن و سورئال مناسبتی بسیار دارد، اما در شیوه اجرای اثر خود تنها جسمانیت فضا را طغیان کار علیه سرمایه است. همه شرایط غیر انسانی کار در زندگی کارگران زیر زمین و اجتماعات معترض در آن به خوبی گنجانده شده است. «ژرمینال» حرکت کورمال در یک هزار توی سیاه و تاریک است که زولا از طریق آن، سنگر و موضع خود را در جامعه هنر و نیز سیاست کاملاً مشخص کرده است. «ژرمینال» به لحاظ زمانی مقارن با تشکیل گروه مدان است و حرکت انترناسیونالیستی موفقی در سیر ادبیات کارگری آن روز بوده است.

انتشار رمان «زمین» که زولا آن را در بیان وضعیت دهقانان و کشاورزان و بازگشت به طبیعت ذاتی تألیف کرده است، بخش اعظمی از سبک نوشتاری او را به معرض نمایش گذاشت. همچنان که پیشتر گفته شد، تمام تلاش زولا برپایه افکار ناتورالیستی اش چیده شده بود. او در این اثر، زمین را قهرمان مهلکه داستان خود قرار داده است، زمینی که احساس و باروری ازلی خود را در برابر جنگ و جدال لئیمانه انسان هایی قرار می دهد که جز گذر بر سطح آن و خراشیدن این سطح کاری انجام نمی دهند و در نهایت همگان، آن را در تملک مطلق خویش می دانند. این اثر ارجاع مطلق به طبیعت گرایی ذهنی زولا بود.

زولا چندی بعد، اثری با عنوان «دیو درون» را خلق کرد و در آن مضمون «ترز راکن» را با گسترش و تعمیق بیشتر تجدید کرد.

پس از آن رمان «پول» را نوشت. در «پول»، ثروت عمومی را در برابر ثروت مدرن، سیال، سریع و ناپایدار یعنی ثروت سوداگری و سفته بازی قرار می دهد و اگر عده ای با استفاده از آن به صنعت و پویایی می رسند، عده ای دیگر به افلاس کشیده می شوند. زولا با انتشار این اثر توانست حکم نهایی اعتقادات خود را در منظر نظام اجتماعی صادر کند و رابطه هنر و جامعه را در پیوندی ناگسستنی بشناساند.

نیز آخرین رمان زولا باعنوان «عدالت» که در کشاکش بحران زندگی شخصی اش و محاکمات دادگاه شهری نوشته شد ضربه نهایی همه سال های تلاش مستمر او در جهت ارتقای طبیعت گرایی روبه افول است که در نهایت به اعتلا و سرحد دوران می رسد و کار نامه چندین ساله آثار او را به نحو درخشانی می بندد.

آثار امیل زولا دارای وجهی دوگانه اند، زیرا که مراحل بزرگ خاصی از تحول انسان ها را باز می نمایند و در مبارزه عقیدتی برای دست یافتن به تمامیت انسان راهنمایند. هر اثر بیان کننده یک لحظه در جامعه گذشته است. ویژگی این آثار ابداع سنخ است که در وجود آن همه عناصر تعیین کننده و اساسی از نظر انسانی و اجتماعی، طی یک دوره تاریخی به سوی هم می گروند و با هم تلاقی می کنند. زولا خواهان تجسم نهایی بطن و جسم و ذات وهبوط همه چیز در یکدیگر است. برحسب مطالعات خویش، بسیار توانمندانه نگاشت و قلمی جاری و همواره در کنار جامعه از خود برجای گذاشت و با همان باقی ماند. همه تضادهایی که زولا بشدت در فراز و فرود آثارش ایجاد کرده است، حقیقی اند و همان گسل های عمیق درونی جامعه هستند که از شریان نثر او در اذهان عمومی راه می یابد، جداره خشک و فرتوت آن را می شکند و در نهایت ژول لومتر در «فیگارو» تأیید می کند: «زولا شاعر اعماق ظلمانی روح بشر است.»

تهیه کنندگان می روند

وصال روحانی

«تهیه کنندگان»، نمایش پرشکوه مل بروکس سینماگر و طنزپرداز قدیمی که در برادوی با توفیق های زیادی مواجه شده است، در ۲ اردیبهشت ۸۶ و پس از ۲۵۰۰ مرتبه اجرا در این محل موقتاً متوقف خواهد شد. این نمایش اغلب در سالن سنت جیمز برادوی بر صحنه بود و جمع شدن آن پس از مدتی طولانی نمی تواند از وقایع مهم تئاتر سال شمرده نشود. بروکس به رسانه های جمعی آمریکا و اروپا گفته است: «۶ سال کار کردن روی این نمایش نمی توانسته است روی من و عوامل این نمایش بی تأثیر باشد یا احساسی را پس از تعطیل شدن در ما برنینگیزد. باید متذکر شوم که هر فرد مرتبط با این پروژه کار با ارزشی انجام داده و سزاوار تقدیر است و من هم باید شخصاً از آنها تشکر کنم.»

این نمایش موزیکال مجموعاً برنده ۱۲ جایزه «تونی» (اسکار تئاتر) شد و یکی از آنها تونی بهترین نمایش موزیکال سال بود.

این نمایش براساس یک فیلم سینمایی سال ۱۹۶۸ بروکس ساخته و ارائه شده و درباره کارهای دو تهیه کننده شارلاتان و کلاهبردار نمایش ها و برنامه های تئاتری است که سر یک عده پیرزن پولدار کلاه می گذارند و جیب شان را خالی می کنند، با این بهانه و دلخوشی که یک نمایش را در برادوی به صحنه بیاورند و از طریق فروش آنها را به مال و نوایی برسانند، حال آن که این نمایش شکست خورده است و شانسی برای پیروزی و اوجگیری ندارد. در اصل و در آغاز، نمایش «تهیه کنندگان» از ناتان لین و متیو برادریک در نقش های اصلی سود می جست. این دو ایفاگر نقش های همان دو تهیه کننده بوده اند و براساس داستان مکس و لئو نام داشته اند.

اضافه بر آنها کیدی هافمن، گری بیچ و راجر بارت هم در اجراهای اولیه حضور نداشتند و به عنوان سایر بازیگران نمایش اوری ژینال شناخته می شدند.

سوزان استروهم که کارگردان و طراح نمایش «تهیه کنندگان» بوده است، در آستانه بهار ۲۰۰۷ می گوید: «صدای خنده شاید جالب ترین و بهترین آوا در سطح جهان باشد و خوشبختی من بوده که در ۶ سال اخیر هر شب این صدا را در نمایش و هنگام اجرای آن به خاطر استقبال و تأیید مردم شنیده ام. این چیزی نیست که هر روز برای هر کس پیش بیاید و یک واقعه معمولی شمرده شود.»

با این حال تصور نکنید مل بروکس با پایان اجرای این نمایش از برادوی خواهد رفت، زیرا قرار است نمایشی تازه از روی یکی دیگر از فیلم های او به نام «فرانکنشتن جوان» ساخته و از ابتدای پائیز سال آینده روی صحنه رود. قبل از آن قرار است این نمایش ابتدا به طور آزمایشی در محلی متفاوت و شهری دیگر (بجز نیویورک) به اجرا درآید و پس از تست های لازم این اجرا در برادوی هم به روی صحنه برود. «فرانکنشتن جوان» فیلمی بود که بروکس در سال ۱۹۷۵ ساخت و شوخی با تم های ترسناک و جدی در صنعت سینما و سوژه های قدیمی آن محسوب شد و در زمانی ارائه شد که بروکس هنوز در دوره اوجش به سر می برد و سنش به اندازه امروز زیاد (۸۲ سال) نبود و در حالتی نزدیک به بازنشستگی به سر نمی برد. در همان سال ها بود که بازیگرانی مستعد و کمیک مثل جین وایلدر و ریچارد پرایور در این فیلم و سایر کارهای بروکس ظهور کردند و به هنردوستان معرفی شدند و مشهور و به نمادهای بزرگ آثار وی بدل گشتند. آن دو بازیگر اینک در قید حیات نیستند و در سال های اخیر درگذشته اند، اما فکر و ایده بروکس و حتی خود او با وجود سن بالایش ثابت و پابرجا مانده اند و با روند فعلی بعید است که چنین اتفاقی تا اطلاع ثانوی بیفتد.

نمایش «تهیه کنندگان» ابتدا در ۱۹ آوریل ۲۰۰۱ در نیویورک به صحنه برده شد و از همان آغاز و اجرای نخست با موفقیت چشمگیر مواجه شد و فروش زیادی کرد. بهای گران ترین بلیت ۹۰ دلار تعیین شده بود، اما در همان شب اول به ۱۱۰ دلار افزایش یافت، زیرا ارائه کنندگان آن مطمئن بودند مردم آن را به این قیمت نیز خواهند خرید و بدیهی بود که در بازار آزاد به ارقامی بسیار بالاتر از این نیز برسد، ولی هیچ کس ابایی از آن نداشت.

یک ویژگی تقریباً منحصر به فرد در نمایش «تهیه کنندگان» و در توفیق آن، طول مدتی است که در آن بلیت های نمایش با قیمت بالاتر از حد متعارف به فروش می رسید و اعتراضی را هم برنمی انگیخت. شاید نمایش هایی طولانی تر و وسیع تر مثل «نیکولاس نیکلبی» که گاه اجرای ۸ ساعته آن هم دیده شده و Iceman Cometh (با بازی کوین اسپیسی) همین خصلت ها را داشته اند، اما از یک سو مثل «تهیه کنندگان» کمیک نبوده و تمی جدی و یا ماجرایی داشته اند و از جانب دیگر پس از مدتی ریتم و شدت و آمار فروش شان به وضوح فروکش کرده است. حال آن که این ریتم و روال در مورد کار مل بروکس محفوظ مانده است. به واقع «تهیه کنندگان» در شرایطی دائماً می فروخت و سالن سنت جیمز را انباشته از مردم می ساخت که برخلاف امروز هیچگاه تاریخ پایان اجرای آن مشخص و اعلام نشده بود و بنابراین بینندها همیشه این دلگرمی را داشتند که «تهیه کنندگان» در دسترس است و به تبع آن نیازی به عجله برای دیدن آن نیست. حال آن که برای سایر نمونه ها همیشه این احتمال وجود داشت که پایان اجرای آن مشخص باشد و اگر استقبالی صورت می گیرد، از بیم رسیدن زمان پایان نمایش باشد. امروز که چنان تاریخی مشخص و اعلام شده، بدیهی است بهای بلیت های نمایش «تهیه کنندگان» در هفته های باقی مانده تا «تاریخ انقضا» همچنان بیشتر و این واقعه هنری باز هم گران تر شود و به حدودی کم سابقه برسد، ضمن این که همین حالا نیز قیمت گران ترین بلیت و مناسب ترین جا در سالن محل اجرای آن به ۱۱۲ دلار می رسد که رقم خیره کننده ای برای یک تک بلیت است.

«تهیه کنندگان» همچنین در تعدادی از سایر کشورهای جهان نیز به صحنه برده شده و طبیعی است که یکی از آن مکان ها انگلیس و مرکز تئاتر آن - وست اند لندن - بوده باشد. در آن شهر «تهیه کنندگان» بیش از دو سال و نیم بر صحنه بود و اگر بخواهیم مجموع درآمد نمایش را مبنا بگذاریم و از فروش آن در سطح جهان بگوییم، باید متذکر شویم که رقم یک میلیارد دلار را هم رد کرده است. کار به جایی کشیده که حتی دو «تور» و گشت سیاحتی نیز در ارتباط با این نمایش در سطح آمریکا و اروپا به راه افتاده و علاقه مندان نمایش می توانند با حضور در محل، یادبودها و نشانه های نمایش را ببینند و خریداری کنند و اشیا و اقلام مختلف مربوط به اجرای آن را به عنوان یادگاری دریافت کنند.

در اجرایی که اکنون در نیویورک بر صحنه است، اثری از متیو برادریک و ناتان لین دیده نمی شود و آنها جای خود را به تونی دنزا و هانتر فاستر داده اند. با این وجود اصل قصه همان قدر جذاب نشان می دهد که در گذشته بود و انگار زمان زیادی سپری نشده است.

دو تهیه کننده کارهای تئاتری که در بطن قصه قرار دارند، برای سودجویی هر دروغی می گویند. آنها نزد زنان پیر سرمایه دار می روند و مدعی می شوند نمایشی را در برادوی در دست اجرا و ارائه دارند که اگر کمک های مالی لازم به آن صورت گیرد، تبدیل به بهترین و موفق ترین نمایش سال خواهد شد. پیشنهاد آنها به این زنان این است که به آنان پول لازم داده شود تا نمایش را در بهترین شرایط به صحنه ببرند و آنها هم در عوض این زنان را در سود ناشی از بلیت فروشی سهیم خواهند کرد. حقیقت آن است که هیچ خبری از این فروش و استقبال نیست و مردم به نمایش روی خوش نشان نمی دهند و سالن اغلب خالی است. در نتیجه این دو تهیه کننده کلاهبردار پول ها را برای خود برمی دارند و در حالی که قصد دارند با زبان بازی معترضان را سر جای خود بنشانند و هر روز افراد تازه ای دور و بر آنها سبز می شوند، آنان به آرامی امنیت و آرامش خود را از دست می دهند.

مل بروکس همیشه استاد در پرورش این گونه تم ها بوده و «فرانکنشتن جوان» که جای «تهیه کنندگان» را در برادوی خواهد گرفت، با تمی مثلاً ترسناک همان رویکردها را تعقیب می کند. ۲۰ سال پس از آخرین فروغ های بزرگ بروکس درهالیوود و با فیلم هایی مثل سینمای صامت»، «تاریخ جهان» و «بودن یا نبودن» حالا فقط اجرای تئاتری از روی کارهای قبلی سینمایی وی در دستور کار قرار دارد، اما اطرافیان او و خود وی (البته فقط در مقام تهیه کننده) بدشان نمی آید که در صورت امکان یک نسخه سینمایی تازه را هم از روی آثار قبلی وی بسازند و به همین خاطر بود که اواخر ۲۰۰۵ فیلم «تهیه کنندگان» نیز ۳۷ سال پس از فیلم اورژینال از نو ساخته و اکران شد و ناتان لین و متیو برادریک رل های اجرا شده توسط خود را از صحنه تئاتر به روی پرده نقره ای انتقال دادند و این گونه روندها و اجراهای مکرر و بازسازی کارهای بروکس مسأله ای است که به این زودی ها پایان نخواهد گرفت.